

پیشنهاد سفر

روایت حمامی در کاشان که این روزها خیلی معروف شده

حمامی که سلبریتی شد!



مردم: حمام امیر سلطان احمد کاشان این سال‌ها خیلی معروف‌تر شده: حمامی که دیدن یک عکس از آن کافی است تا بفهمید چرا آن را یکی از زیباترین حمام‌های ایران می‌دانند. شاید برای همین هم است که تصاویر این حمام بیشتر از خیلی بناهای دیگر در شبکه‌های اجتماعی بازنشر می‌شود. خلاصه اینکه اگر سفر کاشان پیش رو دارید، دیدن حمام امیر سلطان احمد را از دست ندهید. این حمام در گوشه‌ای از شهر کاشان قرار دارد که نامش را از امامزاده مجاور خود گرفته. در سال ۱۳۷۵ بود که این بنا توسط شهرداری کاشان خریداری شد. پس از آن هم پروژه‌ای تحت عنوان بازسازی و مرمت حمام تاریخی امیر سلطان احمد صورت گرفت تا حمام از تخریب حفظ شود.

❖ معماری حمام

حمام به خاطر اصولی که باید در ساختنش رعایت شود، از پیچیده‌ترین بناها محسوب می‌شود. این فضا را برای حفظ گرمای درونی آن پایین‌تر از سطح زمین و درون خاک می‌ساختند تا در مصرف انرژی نیز صرفه‌جویی کنند. علاوه بر این حمام امیرسلطان احمد تزئینات بسیار چشم‌نوازی دارد و از این حیث حمامی منحصر به فرد به شمار می‌رود. آهکبری و گچبری‌های این بنا هر چشمی را به خود خیره می‌کند. آهکبری، هنر حکاکی نقوش برجسته بر سطحی از آهک است که یکی از تزئینات زیبای بناهای ایرانی محسوب می‌شود. به علاوه کاشی‌های آبی فیروزه‌ای و طلایی، گچبری‌های هفت لایه و معماری خاص، موجب شده تا از این حمام به عنوان یکی از برجسته‌ترین حمام‌های ایران یاد کنند. البته به طور کلی حمام امیرسلطان احمد شامل دو حمام کوچک و بزرگ است که در گذشته و ایام خاص هفته، اهالی کاشان از آن استفاده می‌کرده‌اند. در اینجا اما تنها سری به حمام بزرگ می‌زنیم و درباره بخش‌های زیبای آن می‌نویسیم.

❖ ۱- ورودی

در حمام‌های قدیمی برای ورود به فضای رختکن باید از چندین فضا گذشت که در اینجا به طور مختصر در مورد آن‌ها توضیح می‌دهیم: **جلوخان:** محوطه‌ای از ورودی است که پیش از سردر و در جلو آن قرار دارد. **سردر ورودی:** سردر بخشی مهم- در معماری ایران قدیم است و هر بنای مهمی با این بخش مشخص می‌شود. در سردر حمام امیرسلطان احمد نقوش زیبایی را می‌بینید که از جمله آن‌ها می‌توان به نقوش گل، بته، کبوتر و همچنین مجسمه‌ها و تصاویری از زنان و مردان و تصویر شکارگاه‌های اطراف شهر اشاره کرد که برخی از آن‌ها بشدت تخریب شده‌اند. **هشتی و راهروی ارتباطی:** در ورودی بنا قرار دارد و بلافاصله پس از سردر و واقع شده است و فضایی برای ارتباط بیرون و درون محسوب می‌شود. این فضا با استفاده از راهرو به درون بنا راه پیدا می‌کند.

❖ ۲- سریننه

نخستین فضای مهمی که در حمام‌ها وجود دارد بینه یا سریننه است که نوعی رختکن و جای آماده شدن برای استحمام یا خروج از حمام به شمار می‌رود. بینه در میان ورودی حمام و گرمخانه قرار گرفته است. هوای این بخش را نیمه گرم نگه می‌داشتند تا مراجعان یکباره با هوایی گرم برخورد نکنند و همچنین در هنگام خروج از گرمخانه، به یکباره با هوای سرد مواجه نشوند و مشکلی برای سلامتشان پیش نیاید. بیشترین تزئینات حمام‌ها در بینه به چشم می‌خورد و حمام امیرسلطان احمد نیز از این قاعده مستثنا نیست. نورپردازی دقیق و منظم بینه جلوه این تزئینات را چند برابر می‌کند و فضایی روح افزا را پیش روی بازدید کنندگان قرار می‌دهد.

❖ ۳- گرمخانه و خزینه

دومین فضای اصلی در حمام امیرسلطان احمد گرمخانه نام دارد که شست و شو و تطهیر بدن در آنجا صورت می‌گرفته است. گرمخانه فضایی ساده‌تر از بینه دارد و گوشه‌هایی برای نشستن و شست وشو در آن دیده می‌شود. آزاره و دیوار گرمخانه تا یک متر مزین به کاشیکاری معرق است و از آنجا تا سقف، آهکبری با ملات ساروج دارد.

❖ ۴- تون یا کلخن

بخشی از فضاهای حمام، نقش پشتیبانی را دارند که از میان آن‌ها می‌توان به فضاهایی برای تامین آب و حرارت مثل تون و انبار هیزم اشاره کرد. مجموعه راهرو، اتاقک و ظرفی مسی در کف و زیر خزینه قرار دارد که به آن تون، کلخن، تیون یا باتیون می‌گویند. در کف و مرکز خزینه ظرفی مسی به شکل گودالی کوچک کار می‌گذاشتند. در زیر این ظرف اتاقکی وجود دارد که از طریق راهرویی به بیرون از حمام راه پیدا می‌کند. شخصی به اسم «تون‌تاب» در فواصل زمانی منظم هیزم و سبایر مواد سوختی را در تون روشن می‌کرد تا آب داخل خزینه گرم بماند. دود و دم سوختن تون مستقیماً به دودکش نمی‌رفت بلکه ابتدا از گریه روه‌ای کف حمام می‌گشت.



❖ یکی از زیباترین بام‌های ایران

بام این حمام بخش شاهکار آن به شمار می‌رود و یکی از زیباترین بام‌های گنبدی شکل ایران است. تعدادی گنبد بر روی این بام قرار دارند که روی هر کدام از آن‌ها شیشه‌های عسلی محبذ تعبیه شده تا هم نور کافی را به قسمت‌های مختلف حمام برسانند و هم مانعی برای دید به داخل آن باشند.

گفت‌وگو با علیرضا نقوی، جوان یزدی که همراه دوستانش

هفته‌ای یک روز از کارشان را به اصلاح سالمندان و معلولان اختصاص داده اند

آرایشگران مهربان



عکس ها: علیرضا آخوندی

شاید چون نخستین برنامه‌مان بود، وسواس بیشتری داشتیم و نمی‌خواستیم دست خالی برویم. روز اجرای برنامه هم که رسید، همه گروه استرس زیادی داشتند و نگران این بودند که اصلاح کردن یک کودک معلول تا چه اندازه می‌تواند سخت باشد.

❖ نخستین تجربه چطور پیش رفت؟

خیلی خوب انجام شد. حتی یادم هست دوستان گروه بعد از آن برنامه از من خواستند برای برنامه‌های بعدی هم به آن‌ها اطلاع بدهم. خلاصه آن روز تجربه جالبی برای همه ما رقم خورد و همین هم موجب شد تا این مسیر تا امروز ادامه پیدا کند. جالب اینکه بعضی از دوستان می‌گفتند حتی اگر لازم بشود حاضرند دو روز در هفته آرایشگاهشان را تعطیل کنندو برنامه‌های این چنینی بگذارند.

❖ چه چیزی در آن برنامه این قدر برای بچه‌ها جذاب بود؟
یادم هست آن روز وقتی وارد مرکز شدیم، بیشتر از همه نحوه برخورد و استقبال بچه‌های معلول به دل ما نشست. آن‌ها به استقبال ما آمدند و همه ما را بغل کردند. حتی وقتی هم که اصلاحشان می‌کردیم، دم به دقیقه از ما تشکر می‌کردند. همین تجربه هم موجب شد تا اعضای گروه قول همراهی در برنامه‌های بعد را بدهند.

گرفته شد، با کمک و همراهی بعضی از دوستان و همکاران قدیمی گروه را تشکیل دادیم. البته من، قبل از اینکه سراغ گرفتن مجوزها بروم، ایده‌ام را با بعضی از همکاران مطرح کرده بودم و گفته بودم که باید. یک روز کامل صرف این کار. بشود. البته با خودم فکر می‌کردم که شاید بعضی‌ها قبول نکنند، ولی خوشبختانه همه قبول کردند و واقعا سنگ تمام گذاشتند.

❖ نخستین تجربه گروه شما برای حضور در این مراکز چطور شکل گرفت؟

نخستین برنامه گروهی ما در یکی از مراکز نگهداری کودکان معلول بود. یادم هست که شب قبل از برنامه، هم استرس داشتم هم ذوق و شوق. شوقم به خاطر این بود که سرانجام گروهی که دنبال آن بودم، شکل گرفته، اما استرسم از این بابت بود که فکر می‌کردم کار کردن با بچه‌های معلول و اصلاح سر آن‌ها باید کار سختی باشد و ما در این زمینه تجربه خاصی نداریم.

❖ تدارک خاصی هم برای این برنامه لازم بود یا همه آنچه لازم داشتید، در اختیار تان بود؟

یادم هست آن شب دو، سه ساعتی را صرف آماده کردن وسایل، شارژ کردن ماشین‌ها و کارهایی از این دست کردیم.

❖ هنوز هم همان علاقه نوجوانی را به این شغل دارید؟
من عاشق آرایشگری‌ام و خوشبختانه پدر و مادرم هم در رسیدن به این شغل خیلی کمکم کرده‌اند. فکر می‌کنم هنوز هم اگر به گذشته برگردم، حتماً دوباره همین شغل را انتخاب می‌کنم.

❖ این علاقه به آرایشگری از کجا می‌آید؟

علاقه‌ام به این خاطر است که در این شغل با آدم‌های مختلفی سر و کار دارم. از طرفی این شغل همیشه برای من پر از هیجان و اتفاقات جدید بود.

❖ چطور از طریق این کار، راه پائینا به کار خیز باش؟
شاید از پنج سال پیش بود که تنهایی می‌رفتم خانه سالمندان تا مثلاً در اموری مثل حمام بردن یا کارهای شخصی سالمندا کمک کنم. آن موقع گاهی هم پیش می‌آمد که دو، سه نفر را هم اصلاح می‌کردم. ایده تشکیل یک گروه برای اصلاح افرادی مانند سالمندان یا بچه‌های معلول هم از همان موقع شروع شد.

❖ کی توانستید این گروه را تشکیل بدهید؟

آبان سال پیش بود که توانستیم با همکاری بهزیستی مجوزهای لازم را برای ورود به خانه سالمندان بگیریم. وقتی هم مجوزها



علیرضا نقوی از جزئیات کارهای قشنگ گروه‌شان می‌گوید

با بچه‌های معلول رفیق شده‌ایم

وقتی‌ها هم خودمان امکاناتی می‌بریم که موجب ششادی این آدم‌ها بشود. نکته جالب اما این است که همیشه آن‌ها هم برای ما برنامه دارند. مثلاً یادم هست وقتی به مرکز کودکان معلول رفته بودیم، بعد از اینکه کارمان تمام شد، از ما خواستند تا بنشینیم تا بچه‌ها برای ما تئاتر اجرا کنند. همین هم موجب شده که ما و بچه‌های معلول باهمدیگرا انس بگیریم و الان مثلاً حتی اگر شده تلفنی حال بچه‌ها را بپرسیم.

❖ پس الان می‌شود گفت که حرکت شما به یک طرح خیریه چند وجهی بدل شد. برای این کار از فرد دیگری الگو گرفته‌اید یا نه؟

نه، به شکل مشخص از کسی الگو نگرفته‌ایم. اما خیلی شنیده‌ام که آدم‌هایی هستند که بخشی از وقت خودشان را برای کمک به مراکز نگهداری از معلولان یا بچه‌های بی‌سرپرست و سرای سالمندان اختصاص می‌دهند. خوب این آدم‌ها در انتخاب من تأثیرگذار بوده‌اند. همیشه با خودم فکر می‌کردم این افراد چه سعادت‌انی دارند. همیشه هم دوست داشتم من هم سهمی در اتفاقاتی از این دست داشته باشم.

❖ امروز فکر می‌کنید آوازه کار خودتان چقدر بتواند دیگران را به این جور کارها ترغیب کند؟

خوشبختانه الان تعدادی از مشتریان که به آرایشگاه می‌آیند، چون از ماجرا باخبر شده‌اند، هم ما را تشویق می‌کنند و هم گاهی که مراکز کمک مالی نیاز دارند، درج نمی‌کنند. خوب پیش آمده که بعضی اوقات برای خریدن اقلامی نیاز به کمک داشته‌ایم و به لطف مردم خیلی راحت هزینه‌ها جور شده است.

❖ باز تاب این تجربه‌ها را در فضای مجازی هم منتشر می‌کنید. درست است؟

بله. البته تمام تلاشم این بوده که کسی تصور نکند برای ربا این کار را انجام می‌دهم. چون دوست دارم نشان بدهم هر کس در حرفه و شغلی که دارد، می‌تواند به دیگران کمک کند. خنار ا هم شکر می‌کنم که این نوشته‌های مختصر

خانه سالمندان تجربه‌های جدیدی برای من داشته قدر پدر و مادرم را بیشتر می‌دانم

علیرضاقوی حالا چندین سال است که بودن در میان سالمندان و بچه‌های معلول را تجربه می‌کند؛ تجربه‌ای که بدون شک نگاه متفاوتی را به او داده. خودش اما از میان این تجربه‌ها حال و هوای سرای سالمندان را از همه مراکز که رفته، خاص‌تر می‌داند؛ حال و هوایی که موجب شده تا امروز قدر پدر و مادر خودش را بیشتر بداند.علیرضا می‌گوید: وقتی یادم را در جایی مثل خانه سالمندان می‌گذارم، صحنه‌هایی می‌بینم که می‌تواند روح و روان هر آدمی را متأثر کند. این تجربه‌ای است که از همه این سال‌ها داشته‌ام و چیزهایی با چشم‌مان خودم دیدم. حتی دوستان و همکاریانی هم که در این سال‌ها در برنامه‌های گروه شرکت کرده‌اند، در خیلی از روزها این مراکز را با چشم گریان ترک می‌کنند. وقتی پای حرفه‌ای این پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها می‌نشینیم، به این نتیجه می‌رسیم که گاهی فرزند‌ها تا چه اندازه می‌توانند بی‌معرفت باشند.

یادم هست در یکی از برنامه‌ها، یکی از پدربزرگ‌ها به من می‌گفت: «می‌شود وقتی کارت تمام شد، من را با خودت ببری خانه؟» می‌گفت: «قول می‌دهم آذیت نکنم». با نشنیدن این حرف‌ها ناخودآگاه زدم زیر گریه. تمام خواسته آن پیرمرد این بود که از خانه سالمندان بیرون نه به خاطر اینکه در خانه می‌توانست با بچه‌های معلول و ناتوانان برخورد کند و تمام ناراحتی آن‌ها به خاطر بی‌توجهی‌ای است که از سوی فرزندان و خانواده خودش دیده‌اند.

می‌توانم بگویم از وقتی به خانه‌های سالمندان می‌رویم، چیزی که یاد گرفته‌ام احترام به پدر و مادر است. برای همین بعضی روزها وقتی از خانه سالمندان برمی‌گردم، پدر و مادرم را بغل می‌کنم و ناخودآگاه گریه‌ام می‌گیرد. به‌نظم خیلی سخت است که انسان پدر و مادرش را در خانه سالمندان رها کند. بالاخره این‌ها کسانی‌اند که عمری به ما کمک کرده‌اند و این رفتار ظلم به آن‌هاست که در خانه سالمندان رها شوند و مدت‌ها به آن‌ها سر نزنیم. این قصه بعضی از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های مانده در خانه سالمندان است.



علیرضا نقوی از اعضای گروه به همراه کودکان در یک مرکز معلولان

فکران زنگنه

سینما و سینما

شنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸

۱۵ ۱۷ شعبان ۱۴۴۴ ۲۳ آوریل ۲۰۱۹ سال سی و دوم | شماره ۸۹۴۷ |

خبر

رسانه‌های غربی تصویر ایران را سانسور می‌کنند

سینما و سینما: دبیر جشنواره فیلم عمار گفت: اینکه تصویر واقعی از ایران به فضای سانسور شده اروپا، آمریکا و جهان ارائه کنیم، کار انقلابی است.

وحید جلیلی، دبیر جشنواره عمار،

در باره ادغام و یا جدا کردن جشنواره جهانی فیلم فجر از بخش ملی به باشگاه خبرنگاران جوان، گفت: باید بگذاریم کمی زمان بگذرد؛ اما اصل برگزاری این رویداد اتفاق خوبی است و به نظرم باید زودتر هم اتفاق می‌افتاد.

وی افزود: جدی گرفتن حضور بین‌المللی سینمای ایران مسئله مهمی است که باید توجه ویژه‌ای به آن شود. در طول بیش از دو دهه و با داشتن ظرفیت‌های بسیار زیاد و متنوع، فیلم‌های ایرانی تنها به چند جشنواره محدود اروپایی و غربی ارسال می‌شدند و آن‌ها هم اهداف سیاسی خودشان را دنبال می‌کردند. آن‌ها همواره تلاش کرده‌اند یک تصویر متناصب با منافع خود از سینمای ایران به جهان ارائه دهند. اما باید این حلقه انحصار می‌شکست؛ ما باید در جهان، در منطقه و در کشور‌های اسلامی مخاطبان و مشتریان خودمان را جست وجو می‌کردیم. اشتباه بزرگ و استراتژیکی که به نظر خسارت‌های فرهنگی و اقتصادی به سینمای ایران زد، به قول شهید آوینی این بود که سینمای ایران به جای اینکه جهانی شود، جشنواره‌ای شد؛ یعنی برای بعضی از مدیران سینمایی در کشور یا بعضاً سینماگران چند پیرزن در سینماتک پاریس بیشتر از یک میلیارد مخاطب مسلمان در ۵۰ کشور اسلامی ارزشمند شدند.

وی افزود: سینمای ما می‌تواند از لحاظ اقتصادی به مشتری‌های خارجی متکی شود و اصلی‌ترین صادرات فرهنگی جمهوری اسلامی صادرات سینمایی باشد. البته اگر از آن فضای انفعالی و غررپ زده حاکم بر بخش‌های از مدیریت و سینمای ایران فاصله بگیریم. جلیلی در پاسخ به این پرسش که می‌توانیم هنر انقلابی را با تثبیت شدن جشنواره جهانی فجر صادر کنیم، گفت: هنر انقلاب یک طیف است، همین که شما یک تصویر واقعی از ایران به فضای سانسور شده اروپا، آمریکا و جهان ارائه کنید یک کار انقلابی کردید. چون رسانه‌های غربی ۱۸۰ درجه مخالف واقعیات ایران را تعریف می‌کنند؛ پس هر اتفاقی برای بازنمایی درست واقعیت‌های ایران امروز در جهان بیفتد، یک اتفاق انقلابی است.

اهدای «لوح وفا» به مجید مجیدی در تر کیه

سینما و سینما: تنها عضو ایرانی بنیاد بین‌المللی مولانا در ایران از حضور مجید مجیدی در فستیوال جهانی «صوفی سین» و اهدای جایزه ویژه جشنواره همراه لوح تقدیر «وفا» به این فیلمساز خبر

داد. فرزندزه اربابی در گفت‌وگو با ایسنا، با اعلام خبر برگزاری دومین دوره جشنواره «صوفی سین» اظهار کرد: از اول تا هفتم ماه می (یازدهم تا شانزدهم اردیبهشت)، به مناسبت ورود خانواده مولانا به قونیه، فستیوال جهانی عرفانی قونیه برگزار می‌شود و در آن فقط فیلم‌هایی که تم عرفانی و مذهبی دارند، پذیرفته می‌شوند. کارگردان برجسته‌ای از تر کیه،فیلم‌ها و کارگردانی را انتخاب می‌کنند.

وی افزود: سال گذشته که این فستیوال برای نخستین بار برگزار شد، آقای رضا میرکریمی با فیلم «زیر نور ماه» دعوت فستیوال را قبول کردند و تنها کارگردانی بودند که لوح تقدیر فستیوال و وزارت فرهنگ تر کیه را گرفتند. فیلمشان هم مورد اقبال عمومی قرار گرفت.

اربابی درباره حضور مجید مجیدی در جشنواره «صوفی سین» گفت: امسال دبیرخانه این فستیوال آقای مجیدی را با فیلم‌های «بید مجنون» و «چه‌های آسمان» دعوت کرده و ایشان نیز قبول کرده‌اند. ایشان در روزهای سوم تا ششم می در قونیه حضور خواهند داشت و فیلم «بید مجنون» با حضور خودشان به نمایش درمی‌آید و نشست‌های دانشگاهی و رسانه‌ای دارند. امسال تنها کارگردانی که جایزه ویژه جشنواره همراه لوح تقدیر «وفا» به او تعلق می‌گیرد آقای مجیدی است؛ اهدای این لوح، قدرانی از کارگردان‌هایی است که به ریشه‌ها، باورهای مذهبی و مذهب‌ی خود وفادار مانده‌اند. همچنین این فستیوال یک بخش سناریونویسی دارد که علاقه‌مندان می‌توانند از سال دیگر از طریق سایت «صوفی سین» اطلاعات لازم را بگیرند.

«فسیان»

مستندی پژوهشی از تاریخ فراموش شده مشهد

سینما و سینما: مستند «سیان» به کارگردانی حسن آخوندپور در نوزدهمین قسمت از فصل سوم برنامه «به اضافه مستند» به روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت.

به گزارش رسمیده، جدیدترین قسمت از برنامه تلویزیونی «به اضافه مستند»، با پخش و بررسی مستند «سیان» به کارگردانی حسن آخوند پور از شبکه مستند پخش خواهد شد. مستند «سیان» روایتی پژوهشی از تاریخ فراموش شده مشهد است و با نگاهی انسانی به پیامدهای مداخله در بافت شهری پیرامون حرم مطهر رضوی در پنج دهه اخیر می‌پردازد. این فیلم مستند به آسیب شناسی طرح‌های بهسازی، نوسازی و توسعه بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا(ع) پرداخته و از سیاست‌های کلان شهرسازی و معماری در این شهر انتقاد می‌کند. یکی از بخش‌های مهم این فیلم مستند، انتقاد جدی نسبت به عدم توجه مسئولان به توصیه‌های دلسوزانه هشت گانه مقام معظم رهبری در سال ۸۶ مبنی بر توجه و دقت نظر اساسی به مسائل زیست بومی، زیارت و معنویت در فرایند توسعه و بهسازی اطراف حرم مطهر است. بخشی از سکانس‌های فیلم شامل درخواست‌ها و سخنان شهروندان قدیمی این محلات است و کارشناس مختلف این حوزه به بیان دیدگاه‌های خود می‌پردازند.

مستند ۶۰ دقیقه‌ای «سیان» که به کارگردانی حسن آخوند پور و تهیه‌کنندگی پژوهشکده ثامن تولید شده است، پیش از این در گروه هنر و تجربه و به سینماهای سراسر کشور به اکران درآمد. این مستند برای نخستین بار و در برنامه «به اضافه مستند» در تلویزیون پخش و رونمایی خواهد شد. این قسمت از برنامه امروز شنبه (۳ اردیبهشت) ساعت ۲۰:۳۰ از شبکه مستند پخش خواهد شد و بازپخش آن روزهای چهارشنبه (۴ اردیبهشت) ساعت ۹ و جمعه (۶ اردیبهشت ماه) ساعت ۱۳:۳۰ است.

نگاهی به فیلم «زندانی‌ها» جدیدترین ساخته مسعود ده نمکی

مضمون خوب، زندانیِ بیان بد



ضعف آثار ده نمکی است، فیلم او در گیشه، فروش خوبی نداشته است. گویا سبک نخ نمای او در فیلمسازی‌اش، منقرض شده است. تماشاگر جنس حرف‌هایی که ده نمکی در زندانی‌ها می‌زند را در آثار قبلی او دیده است، شاید موقعیت‌ها یا داستان فیلم تغییر بکند وقتی تماشاگر این مضمون و حرف‌ها را در آثار قبلی این فیلمساز دیده است، دیگر رغبتی به تماشای آن نشان نمی‌دهد اما اگر ده نمکی با نگاهی تحلیلگرانه، دقیق‌تر، سینمایی و هنرمندانه‌تر کار کند و سلیقه تماشاگر را در حال تکامل بدارد و با توجه به این معیارها به کار فیلمسازی‌اش ادامه بدهد، می‌تواند نام خودش را در میان سینماگران شاخص سینمای ایران جای بدهد و هم اینکه آثار او در یاد تماشاگران خواهد ماند.



برش

فهیم : «زندانی‌ها»، یک کمدی سرحال است و از ابتدا تا انتها نیز مخاطب را در سبالن سینما می‌خنداند. البته این فیلم نیز همچون آثار اخیر ده نمکی، بیشتر متکی بر طنز کلامی است و موقعیت کمدی در آن کمتر پیش می‌آید. کارگردان تلاش کرده تا فضای فیلم خود را اخلاقی و پاکیزه نگاه دارد

یک روایت مذهبی و اخلاقی

ارش فهیم، منتقد سینما نیز درباره این فیلم می‌گوید: فیلم «زندانی ها» اثر جدید مسعود ده نمکی، فیلمساز ژورنالیستی است که همواره به خاطر خط شکنی و گفتن حرف‌های تازه در دو عرصه مطبوعات و سینما، جریان‌ساز و مورد توجه بوده است. هم فیلم‌های مستند این کارگردان، از جمله «فقر و فحشا» و «کدام استقلال، کدام پیروزی»

سینمای ایران نخواهند شد.

وی معتقد است: ده نمکی جنس سلیقه مخاطب را خوب شناخته و می‌داند که فرمول‌های فیلم فارسی در فروش فیلمش اثرگذار است. شاید یکی از ویژگی‌های خوب ده نمکی این باشد که دیدگاه و سلیقه مخاطب را می‌شناسد اما برای ارتقای این دیدگاه مخاطب تلاش نمی‌کند بلکه در فیلمش حرف‌هایی را می‌زند که مخاطب در لحظه تماشای فیلم دچار خوشی یا ناخوشی می‌شود و راهکاری را ارائه نمی‌کند. این جزو



برش

آذین: اگر ده نمکی بخواهد به کار سینمایی‌اش ادامه دهد نیاز دارد سبک‌های فیلم فارسی رها شود و نگاهی تحلیلگرانه و آسیب شناسانه به مسائل سیاسی و اجتماعی داشته باشد. وگرنه از منظر مضمون، محتوا و نگاه مردمی، فیلم‌هایی مانندکار در تاریخ سینمای ایران خواهند شد

اسینما و سینما | ز هره کهندل | فیلم سینمایی «زندانی‌ها» داستان دانشجویی است که قصد دارد برای پایان نامه‌اش روی زندانی‌های زندان قصر تحقیق کند. ده نمکی در آخرین ساخته‌اش تلاش کرده تا تأثیر معنویات بسر زندانی‌ها را به تصویر بکشد و همچون دیگر آثار قبلی‌اش از زبان کمدی برای این بیان بهره برده است.

این فیلم بر خلاف آثار قبلی این کارگردان، کمتر رنگ و بوی سیاسی دارد و بیشتر به نقص‌ها و آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی معطوف است اما همچون دیگر آثار این فیلمساز، تلاش دارد تا ارزش‌های فراموش شده و دغدغه‌های انسانی را به تصویر بکشد. فیلمنامه این اثر توسط ده نمکی است و کارگردانی و تهیه‌کنندگی آن به عهده خود اوست. بهنام تشکر، هومن برق نورد، هدایت هاشمی، برزو ارجمند، بهاره افشاری، پهنوش بختیاری، اصغر نفی‌زاده، رسول نجفیان، امیرنوری از جمله بازیگران این فیلم هستند. بازیگرانی که چهره‌هایی کلیش‌ای در عرصه طنز دارند. فیلم ده نمکی، جزو فیلم‌های اکران نوروزی بود و توانست بهترین فرصت اکران را بگیرد اما در میان فیلم‌های طنز روی پرده، تاکنون فروش خوبی در گیشه نداشته است. جبار آذین، منتقد سینما درباره فیلم «زندانی‌ها» به خبرنگار ما می‌گوید: مسعود ده نمکی به لحاظ فرهنگی و هنری در فضای خاصی زندگی می‌کند. او باورهای خوبی درباره ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه دارد و سعی کرده در همه فیلم‌هایش به این ارزش‌ها توجه کند. فیلم زندانی‌ها هم از این فضای ارزشی دور نیست اما مشکل آثار ده نمکی این است که همچنان از فرمول‌های فیلم فارسی استفاده می‌کند چه در اخراجی‌های ۲۰۱ و ۳ و چه در زندانی‌ها که برای این فیلم هم خواب سری سازی دیده است.

به باور او، ده نمکی در فرمول‌های فیلم فارسی چسبیده و در این قالب، آدم‌ها و موضوعات عمدتاً سطحی هستند. البته برخی از موضوعات فیلم زندانی‌ها در قالب مسائل سیاسی و اجتماعی، برخی از کلتی‌های جامعه را نقد می‌کند اما همه این‌ها به شکلی سطحی به تصویر کشیده می‌شود. این منتقد سینما ادامه می‌دهد: در آثار ده نمکی نگاه تحلیلگرانه، عمیق و جهت دار به سوی حرکت‌های امیدوارانه نمی‌بینید. در فیلم‌های او، شخصیت‌های خوب و بد یا حتی خاکستری وجود دارند که ممکن است تماشاچی را در جایی از فیلم بختاند یا جایی موجب عقده گشایی‌اش شود بویژه زمانی که مسئولان ناشایست را مورد طنز و طعنه قرار می‌دهند اما این شخصیت‌ها نگاهی عمیق و جدی نسبت به مسائل ندارند.

رهایی از فرمول‌های فیلم فارسی

به گفته آذین، اگر ده نمکی بخواهد به کار سینمایی‌اش ادامه دهد نیاز دارد که از فرمول‌های فیلم فارسی رها شود و نگاهی تحلیلگرانه و آسیب شناسانه به مسائل سیاسی و اجتماعی داشته باشد. اگرچه چنین فیلم‌هایی ممکن است در گیشه به توفیق نسبی دست یابند اما از منظر مضمون، محتوا و نگاه مردمی، فیلم‌های ماندگار در تاریخ

خبر

پس از وقفه‌ای چند ماهه

تصویربرداری سریال «نفوذ» از سر گرفته می‌شود

صبا کریمی: تصویربرداری مجموعه تلویزیونی «نفوذ» به کارگردانی جواد شمقدری و تهیه‌کنندگی محسن علی اکبری که مدتی بود متوقف شده بود بزودی از سر گرفته خواهد شد. داستان این سریال

۳۰ قسمتی به سال ۵۷ مربوط می‌شود و به مدت هشت ماه در مقطع انقلاب، نفوذ آمریکایی‌ها را در عرصه‌های مختلف نظام پهلوی و بحث قانون کاپیتولاسیون نشان می‌دهد. سریال «نفوذ» در سه فاز پیش‌بینی شده و براساس استانداردهای تاریخی صورت گرفته است. روایت ۴۰ قسمت اول از پیش از انقلاب تا تسخیر لانه جاسوسی پیش می‌رود. فصل دوم این مجموعه به حوادث حین گروگانگیری تا کودتای نوزده آذر جنگ تحمیلی می‌پردازد و فاز سوم هشت سال دفاع مقدس را در بر می‌گیرد. امین اسکندریان، کیمیا کریمی، احمد نجفی، حمید گودرزی، رحیم نوروزی، علیرام نورایی، صالح میرزا آقایی، شهره نورستانی، زهرا سعیدی، جلیل فرجاد و… در نقش‌هایی بازی می‌کنند که عیناً واقعی است و مابه ازای خارجی دارد.

فاز نخست این مجموعه تحت عنوان «خط تماس» بهمن ماه سال گذشته روی آنتن رفت. اما ادامه کار آن مدتی با وقفه روبه رو شد که حتی خبرهایی از بی‌توجهی مدیران سینما به این سریال هم به گوش می‌رسید، اما این روزها خبرهایی از آغاز

نقدفیلم

به انگیزه نخستین نمایش آسیایی فیلم «حیوان» در جشنواره جهانی فیلم فجر

نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

آرش شفاعی: بگذارید پرسشی صریح و سخت را بی‌تعارف از شما ببریم، اگر بدانید خیلی زود قرار است بمیرید چه می‌کنید؟ احتمالاً نخستین پاسخ این است که سعی می‌کنیم از فرصتان برای انجام کارهای خوب و محبت به خانواده خود استفاده کنیم. این پاسخ سر راستی است اما واقعیت این است که نه همین سادگی و راحتی نمی‌توان خود را در این موقعیت قرار و پاسخ داد. فیلم «حیوان» محصول ۲۰۱۸ به کارگردانی آرماندو بو جونیور محصول مشترک اسپانیا و آرژانتین دست روی همین موضوع گذاشته است؛ فیلمی با داستانی پرکشش و اندیشه‌ای که مخاطبان را حتی پس از پایان فیلم درگیر خود می‌کند. این فیلم در نخستین نمایش خود در قاره آسیا، در جشنواره جهانی فیلم فجر به نمایش درآمد و یکی از آثار تأثیرگذار جشنواره محسوب می‌شود.

«آنتونیو» مدیر یک شرکت تولیدات گوستی، زندگی خوب و برنامه‌ریزی ش‌های دارد، همه چیز سرچایش است و او، همسر و سه فرزندش در رفاهی نسبی زندگی را به آرامی هم می‌گذارد اما تنش در داستان وقتی روی می‌دهد که او به یک بیماری سخت دچار می‌شود، کلیه‌هایش آسیب می‌بیند و دیالیز می‌شود. چاره کار این است که او به سیستم دولتی اعتماد کند و در صف دریافت‌کنندگان کلیه قرار بگیرد. یادمان باشد در کشوری که او زندگی می‌کند، خرید و فروش کلیه غیرقانونی است اما مرگ یکی از دوستان آنتونیو، او را وحشت‌زده می‌کند، او می‌فهمد که سیستم نوبت‌گیری و انتظار برای دریافت کلیه به صورت قانونی موجب خواهد شد

تمدنی تیپش «نیوپورک تایمز» گزارشی منتشر کرد که نشان می‌داد، دونالد ترامپ طی سه سالهای پیش از ۲۰۱۶ میلادی دلار از پدر خود دریافت کرده اما به سواهی بیضاً نامش، از یک میلیون مالیات این پول به‌هنگفت طفره رفته است. رابرت ترامپ، برادر کوچک‌تر که در گذشته در سازمان ترامپ مشغول به کار بود، گویا نقش مهمی در این ماجرا داشته است. داداش کوچیکه رئیس جمهور البته و در ظاهر کارمند ارشد سازمان ترامپ بود. است و است و ۷۱ سال مرزا زوهای بازنشستگی را داشت که نیوپورک می‌گفته در ۲۰۱۶، وقتی دونالد ترامپ نامزد انتخابات ریاست جمهوری شده بود، رابرت در مصاحبه‌ای اعلام کرد که او را «هزار درصد» حمایت می‌کند. خواهر بزرگ رئیس جمهور - ماریان - هم که ۸۲ ساله و از قاضیان فدرال بود، به تازگی خود را بازنشسته کرده و مالیات بزرگ می‌شمارد. می‌دهد بازنشستگی‌اش گانهانی شی را در مقابل بزرگ خاندان ترامپ بیست. خلفی خاصی با سواس استفاده از رقب و نفوذی که دارد، بهترین گزینه برای رفع و رجوع تخلف‌های مالیاتی برادر و بلکه خانواده ترامپ است! خواهر دیگر رئیس جمهور - لاریبت - به نظر می‌رسد از ترامپ فعالیت‌های سیاسی و تجاری شی فاصله گرفته و مدتی‌ها عمل بک بانک بزرگ است. شاید او تنها عضو این خانواده باشد که هنوز رسانه‌ها در بارش تحقیقات یا افشاشی در دست و حسلی نکرده‌اند.

ایستگاه / امیر محمد سلطان پور

اسب پا کوتاه اقتصاد جهان

اگر بخواهند وضعیت فعلی را به یک حیوان تشبیه کنند شبیه اسب پا کوتاهی است که عده‌ای تلاش دارند آن‌ها را به عنوان تک‌شاخ به مردم عرضه کنند!

THE NEW YORKER

هفته‌نامه «نیویورکر» در تازارتین

سپتامبر ۲۰۲۳

خود به حادته آتش‌سوزی

در پارکس واکنش نشان داده

است. این نشریه که اصلی‌ترین

محبوبیت خود را با طرح‌های

روی جلدش به دست آورده

است، در طرحی که توسط

«فاب استاک» کشیده شده،

در این کلیسا را تاریکی نشان

می‌دهد در حالی که از پس آن

نور خورشید در حال آید

است. نیویورکر می‌گوید اگر یک

توانمند تولیدی دیوار را به

امعان بیاورند.

[illegible]

رقيه توسلي: خدا اجدادش را رحمت کند...

همسایه که با روزنامه‌ها می‌رود، من می‌مانم و این کشف تازه...

اول با چشم خریدار و فرستار می‌نم عراض را، در سرب می‌نم به جدول کش سده پیسیس (صفا) - مشاعر - کود - ریسک - می‌نشینند توی نگام.

خودکار فشاری می‌آورم و می‌شمارم خانه‌های سیاه، طبق استاندارد است.

نم چند نکته می‌شود: تکه‌ای برای خودش حروف سخت «ث، ج، ذ، ر» را هجی می‌کند.

تکه‌ای می‌اندیشد به آنان که خالقیشتان بالاست و با هوش فضا، خوب معمار می‌شوند و آخرین تکه هم پرسش‌های عمودی - افقی را می‌خواند.

به پیش می‌روم... خنک‌واله و ناشی و خندان و دست به امان ایترنت.

تراش حروف و کلمات را احساس می‌کنم و لذت تولشان را... ذوق واژه‌ها را وقت نشستن در خانه صبح... قسمتی از جدول می‌شوم... قسمتی از صورت مسئله و جواب... شاید هم شبیه طراح‌های که با کلنجر و اهرق می‌نشیند پای سول‌های خاستری فاعلش تا آدم‌ها را با فکر پرورید... هوش آدم‌ها را اشتیاقشان را... خودکارشان را.

هرچند دستم می‌آید که «ماکسیم گورکی» نویسنده روسی کتاب «خرده بورژوا» است... می‌گویم در متون باب سبب سستی سنگ مرمر همان رخ است... آتریش کشور دانوب آبی است... «یاک» هژم در گلو می‌بلند بومی هیمالیاست که دمی مانند اسب دارد، اما خرش، روزنامه به دست بلندی می‌شوم و از خانه می‌زنم بیرون... انگار همسایه فوقانی باید باقی خانه‌های خالی جدول ۷۵۱۴ را پر کند.

۱. اقامت کردن- زیست‌شناسی و ۱۳. ماده معطر ناف آهوی ختن- شیر

- نوزدهم که تقسیم‌بندی جانوران به مهره‌داران و بی‌مهرگان را مطرح کرد ۲. همسرگرمی امام حسین (ع) - برای تازی - این پول را در سفر به اتحادیه اروپا خرج کنید ۳. سبزی غذای - پایتخت «پولیوی» - وجه نقد ۴. بوی ریختن - ایر کان‌دیشن - باجه - زیر پا مانده ۵. درخواست بخشیدن - نام دختر قیصر روم و همسر گشتاسب - زنده گزیده ۶. گردیدن فرد خانه خدا - مورخ و فیلسوف گروسی خانی «آینده علم» - تکیه دادن ۷. کتف و شانه - سخنان بی‌پهوه - خیس و نمور - رابر فارسی «کارگروه» - بارش برگزیده شد ۸. از فرق کلاه که به آن‌ها واقفیه می‌گویند - نوعی بازی فکری روسی ۹. نام پسرانه فرنگی - سفید آذری - تگرش - از دانشمرد مرعاج می‌رود ۱۰. سرزمین کافه فرنگی - غذای ایتالیایی ۱۱. ماه محبت - پل الکتریکی - فرمان توقف

۱. نوعی کاغذ مخصوص طراحی- اولین نخست‌وزیر و رهبر جبهه ملی ازادی‌بخش کنگو ۲. نوشدارو را پس از مرگش آوردند- عمو پیامبراکرم(ج) که با اسلام دشمنی شدیدی داشت- پروردگار ۳. غصه و اندوه- شکلی هندسی شامل حلقه دو نقطه- کشاورز ۴. بنان ۵. حافظ- نقیض «تنبیهات»-خودی و شناس ۶. آوای درمند- استان حافظ و سعدی- قلعه مستحکم ۷. تیر میان تپه‌ی ساز مثنوی- درگیری- نذیرتفرن ۸. سواره مشتری- گریزان- تکلیف مدرسه ۹.

مادر با همه لاجأت‌ها، کی روی‌ها، تک روی‌ها و خُلق و خوی خاص اما عاشق پسرش بود. اگر کسی می‌زد و مادر گوشه‌ای ایفون را برمی‌داشت و می‌پرسید کی؟ «هانتا پشت در یکی برای پدرش» مادرش دلبری می‌کرد که: «اون پسر خوشگله کیبه، داره نیسان آبی، به همه بدهکاره، اون اومده». مادر این را که می‌شنید، اگر هزار جور غم و غصه داشت، باز گل از گلش می‌شکفت. با همین دل‌ریزی و با مرام گذاشتن به دست به خیر داشتن پدر و روحیه شاد، شستن تن تنها اعضای خانواده، بلکه اهالی محل و مشتری‌های قهوه‌خانه را هم

می‌توانید شروع ماجرا و زندگی واقعی «مجید» را براساس روایت‌های خواهرانه یا دوستانه، همان سال و یا حتی ماه‌های آخر زندگی‌اش بدانید!

.....پاکستان / قسمت نہم

می‌گویند. دود به معنی شیر و پتی یعنی چای سیاه بخ زده است. با هنوز یک مقصد بعدی داریم. به هاتوز زیبا این میزاع کنیم به نام «سلطان محمد بهادرعلی» که از نوادگان موسی بن جعفر(ع) و جزو اولیای اهل کرامت این منطقه است. مزار با همان یک تاج ساخته شده که بخش اصلی حقیقت مسجد است و قهزرا در ضلع کناری مسجد قرار دارد. بسط حیاط مسجد هم درخت کهنسالی که از بزرگی و تناوری بالای ۳۰۰ سال عمر می‌خورد، دیده می‌شود. یک تک درخت نهیها. بعد از زیارت توفانی عمیق و سریع در می‌گیرد. یک ساعتی سیراحت می‌کنیم و بعد به راه می‌افتیم. بزرگی مهم تصویربرداری امروز این است که چون وسیله دیگری رای گرفتن تصاویر حرکتی پیدا نمی‌کنیم، از یک کامیون استفاده می‌کنیم و صبح تا غروب یک اتنا و بار کامیون سحر می‌کنیم و با کامیون می‌رویم.

[illegible]

ایستگاه / محمد مهدی خالقی: «شورکوت» بهری کوچک است. با خیابان ها و کوچه های باریک و بازاری سنتی و شلوغ و باز. یعنی بیشتر شهر در حقیقت همین بازار است و خانه های بیشتر ساخته شده است. از میان باریکی خیابان ها و مغازه های با وسایل و ابزارهایی که حالا در ایران کمتر دیده می شود، عبور می کنیم. کپسول های گاز، ظروف روخی، یک درواخانه کوچک کج شلوغ، چند کلاه سیاه و گرم، گرفته. اینجا در روستای است که اسم شهرش رویش گذاشته اند. بیشتر مزار مادر و پدر سلطان باهو برای مراسم «بی بی راستی» مادر سلطان باهو نخستین مرشد طریقت دارند. «بی بی راستی» از او می خواهد مرشدی از مردان برای خود او بدود و در نوجوانی از او می خواهد مرشدی از مردان برای خودش بداند. او هم تا ۳۰ سال به دنبال مرشد، سیر آفاق و انفس می کند و آخر خود به مرشدی صاحب نفس تبدیل می شود. مزار کوچک و جمع و جور است.

یکی بستی فروش، مغان‌هایی مثل همه حرام‌ها و درختی تنار
بسیرون حرم که نه‌های رنگی آن آویزان است، حیاط دو در
دارد. یکی برای ورود مردها و یکی زنها، وسط حیاط درخت
است. یک نفر نشسته و میوه‌ها و درخت را می‌فروشد و چند جوان
از طرف این‌ها می‌روند و منتظر افتادن میوه‌ای هستند که آن را
بیاورند یا چنگ بیاورند. میوه‌ای روی سرم می‌افتد و جوان بین هوا
و زمین میوه است و می‌ریزد و خنده پیروز و زندان‌های می‌کند. دو سه نفر
از حیاط است و کنار قبرها طوفی از نمک متبرک که هر کس
بیرون می‌آید قدری از آن می‌خورد.

دو قیر بزرگ با پارچه سبز
 به زحمت برای ۱۰ نفر جا هست. بیرون که می‌آییم هوس
 کنارشان را می‌کنیم. به بستنی نسکافه‌ای است، اما وقتی می‌خوریم
 همان شیرچای، دم کرده چای در شب داغ که نوشیدنی

حل جدول شماره قبل

[illegible]منتظر نظرها، دیدگاه ها و انتقادهای تان در خصوص جدول هستیم
با ما تماس بگیرید